

# نذرو اعتقادات زنان کابلستان

نویسنده کریم پوپل



سال نشر کتاب

۳۰ نوامبر ۲۰۲۴

کشور دنمارک

## فهرست مطالب

۳. شناسایی با بنده
  ۴. فرهنگ نذر ها و باورها رنان کابلستان
  ۵. تعریف نذر
  ۵. نذر های معروف در افغانستان
  ۶. سمنک
  ۱۰. نذر مشکل گشا
  ۱۵. نذر مو ، چادر بی بی
  ۱۵. شعله زرد
  ۱۶. کاچی
  ۱۶. هفت میوه
  ۱۸. دیگچه
  ۱۸. نذر چهل تن
  ۱۹. مولودی و شاه نجات
  ۲۰. نذر گوسفند یا عقیقه
  ۲۱. ماست مالیده
  ۲۲. نذر روت
  ۲۳. تکیه بی بی زینب
  ۲۴. سبزی چلو
  ۲۵. بی بی سه شنبه و دسترخان سخی
  ۲۷. پله و کشمش
  ۲۸. دیگچه ماه محرم
  ۲۹. شرایط دیگر
- منبع

## بنام خداوند تعالی

### پیشگفتار

- این کتاب برای چند منظور نوشته شده است.
۱. اسناد سازی افغانی در انترنیت است تا تمامی افغانهای جهان از این استفاده کرده بتوانند.
  ۲. معلومات آفاقی است که علمیت علاقمندان را زیاده تر می نماید.
  ۳. هموطنان من حیث یک سند علمی استفاده می نمایند.
  ۴. کتابخانه های کشور ما غنی از کتابهای می گردد.

### شناسائی با بنده

اسم من کریم اله پوپل لقبم کریم پوپل است. من نویسنده دانشنامه ویکیپدیا دری فارسی ، انگلیسی و دنمارکی هستم. همچنان در سایت مشعل آوایرس آریایی افغان جرمن ۸ صبح و پژواک همکاری دارم. در سال ۱۳۳۴ در گذر سرداجهانخان کابل تولد شدم. دوره ابتدائیه را در لیسه عبدالحی گردیزی پکتیا دوره متوسط را در لیسه نادرشاهی مزارشریف دوره عالییه را در لیسه حبیبیه به اتمام رسانیدم. در سال ۱۳۵۸ فارغ از فاکولته زراعت کابل گردیدم. در سال ۱۳۶۲ در سازمان ملل در بخش پروگرام (International Board for Plant Genetic Resources (IBPGR)) بورد بین المللی حفاظت سلول زنده کار نمودم مدتی را در کشور سوریه سازمان زراعتی (ایکاردا) و اکرسات هند سپری نموده به تحقیقات تخمیانیه جات افغانی پرداختم. در سال ۱۳۶۵ مدیرمسئول اقتصاد اتحادیه های صنفی شهر کابل بودم. در سال ۱۳۶۸ مالک موسسه صنعتی پوپل گردیدم. پس از ۱۹۹۲ م هاجر در دیار بیگانه شدم. در سال ۱۹۹۶ بمنظور اخذ ویزه شامل انستیتوت هنرهای زیبا بهزاد رشته کرامیک از بکستان گردیدم. از سال ۲۰۰۰ ببین اینسو در دانمارک زندگی میکنم. در سال ۲۰۰۳ مکرراً در بخش زراعت تربیه گل و فرش سبز تحصیلات یکنیم ساله نمودم. فعلاً در همین بخش و ساختن حویلی های مقبول کار مینمایم. من حرمت بتمام احزاب سیاسی دارم امید است متحدشده وطن را نجات دهند. فعلاً در بخش های سیاسی زراعت و هنری کار مینمایم. علاقه شدید به ساختن بندهای آبی و مزروعی ساختن میلونها هکتار زمین وطن محبوب خود دارم. خوش دارم وطنم یک قوای مسلح قوی داشته باشد. نام کابری من افغان پالیسی است. مالک دانشنامه خراسان و حریت و سیاست ۱۴ فیسبوک ۱۸ گروه فیسبوک هستم. همچنان همکاری با توییتز انستوگرام دارم. از صنف پنجم مکتب به نویسندگی آغاز نمودم. طی ۱۷ سال اخیر در اسناد سازی انترنیتی افغانستان خیلی زحمت کشیده ام آنچه را که در اخر سر مقاله نوشته شده در افغانستان بنویسید نوشته من می آید. مثلاً پرندگان افغانستان ، صحت در افغانستان ، اقتصاد افغانستان ، ورزش در افغانستان و.... مدت هم به صفت همکار با سازمان ازادی برادران بلوچ فعالیت داشته ام.



## فرهنگ نذرها و باورهای زنان کابلستان



شهریان کابل از فرهنگیان کشور بوده به همین امتیاز در قدیمها مردمان ولایات و دهات افغانستان مردم کابل را مورد احترام قرار میدادند. مردم این شهرداری لهجه شریین و فرهنگ خاصی در مرده داری، مهمانی، ختم قرآن، محفل عروسی، مناسک مذهبی و اجتماعی دارند. زنان کابل در کنار مردان در حل مشکلات مادی و معنوی نذرها را به گردن می‌گرفتند و بعد از برآورده شدن حاجات، صحت و سلامتی، رهایی از فقر و تنگدستی، بازگشت مسافر به خانه و غیره نیازها، به دادن نذری را به گردن می‌گرفتند. فرماندار داخل خانه زنان و بیرون از خانه مردان بودند. از همه مهم مردان در اجرای مناسک و مناسبات زنانه خود را دخیل نساخته آنها را آزاد می‌گذاشتند که مناسک را اجرا کنند و در پیشبرد این مناسک زنان را معاونت می‌نمودند. این امتیاز باعث گردید تا کابلستان به یک مرکز فرهنگی مبدل گردد.

### دلیل در گردن گرفتن نذر

فردی برای انجام کاری نیک یا رسیدن به خواسته‌ای و یا رفع مصیبت نذر کرده و انجامش را بر خود واجب می‌داند تا در نتیجه آن خدا حاجت قلبی‌اش را برآورده سازد. بعضی کسان قبل از حاجت نذر می‌گیرند بعضی پس از پوره شدند حاجت. این نوع دادن نذری میان مردم مروج است. شماری نظر به اعتقادات قوی خود برای کسب رضایتمندی خداوند نذری را در گردن می‌گیرند. نذر و نذری دادن از مراسم سنتی و مذهبی است که مربوط به قوم یا فرقه خاص نبوده بلکه میان مردم عمومیت دارد و آنچه تا کنون در کتاب‌های مختلف خوانده‌ایم نشان داده است که این رسوم تنها مربوط به مسلمان نه بلکه در میان بسیاری از ادیان دیگر نیز مروج است. مثلاً زنان هندو کابل بخاطر خواستن حاجات خود موی سر خود را می‌

تراشیدن. دادن نذر زمان خاصی ندارد اما بین ماه‌های محرم، صفر و رمضان این کار بیشتر انجام می‌گیرد. خانمی در کابل می‌گوید: در ماه محرم همه ساله نذر شله زرد را می‌پزد و سالیان زیادیست که این کار را می‌کند. او می‌گوید این را زمانی مادرش برای اینکه خدا برایش فرزند پسر عطا کند به گردن گرفته بود و این کار را دخترش اکنون انجام می‌دهد. آنها به این باور هستند که اگر این نذر قطع شود برای زندگی‌شان نحسی می‌آورد و آنان باید همه ساله این کار را انجام دهند.

یا زنی نذری ۱۰۰ دانه نان سالانه در گردن گرفته است، ماه و فصل برایش فرقی ندارد فقط می‌خواهد برای نیازمندان کمک کند. معمولاً نذر به دو صورت میان مردم مروج است. نذر شرعی و قسم است. مشروط و نذر مطلق.

۱. نذر مشروط: مثل آنکه فرد بگوید: اگر مریض من شفا یافت، برای خدا بر عهده من است که یک ماه روزه بگیرم.

۲. نذر مطلق: مثل آنکه فرد بگوید: برای خدا بر عهده من است اگر پسرم کامیاب شود خیرات می‌کنم

### تعریف نذر

نذر یک اقدام داوطلبانه است که شخص هیچ اجباری برای انجام آن ندارد اما زمانیکه قصد نذر را داشت و بر زبان جاری کرد باید آن را ادا کند. نذر در لغت به معنای یک اقدام غیر واجب است که شخص تعهدی برانجام آن ندارد. از نگاه مذهبی نیز نذر به عملی گفته می‌شود که فرد برای کسب رضای خداوند تصمیم می‌گیرد یک گناه را ترک کند یا کار خیری انجام دهد. فرد پس از نیت نذر باید آن را انجام دهد. امام سجاد (ع)، اولین کسی که برای امام حسین (ع) نذری داد.

### کیها پشتبان برآورده شدن حاجات زنان افغانستان است

خداوند (ج)، حضرت محمد ص حضرت علی مشکل کشا، امام حسین، ابوفضل (پسر علی برادر اندر حسین)، فاطمه زهرا دختر حضرت محمد ص و خدیجه، شیخ عبدالقادر گیلانی یا غوث العظم دستگیر، امام اعظم یا ابوحنیفه غازی، زیارت علی شاه مردان، امام مهدی اخر زمان، بی بی زینب دختر علی و فاطمه، سایر زیارتها و مردان پاکدامن مسلمان که همه اینها در نزد زنان کابل خیلی مهم هستند.

### نذر های معروف در افغانستان

#### ۱. نذر لب او یا جوی

نذر لب جوی یا دریا معمولاً در زمان بارگیری ماهیان یعنی ماه ثور جوزا بر پا میشود. زنان کابل عقیده دارند که این نذر از سعیدان سرخروی چون و حضرت محمد (ص) و امام حسین "رض" می‌باشد که بخاطر زیاد شدن روزی و سرخروی و وقار انسانها در این دنیا



و آن دنیا گرفته می‌شود .

زنان یک‌مقدار حلوی آردی را پخته کرده و بعداً بر روی پرفتنوی حضرت محمد ص و امام حسین "رض" که تشنه شهید گردیده فاتحه نموده و دیگ حلوا را بر سر جوی و یا دریای روان می‌برند و مسن ترین شخص خانواده هفت لقمه حلوا را خورده و هفت لقمه دیگر را در آب روان می‌اندازد و هر باری که لقمه‌ها را می‌خورد و در آب روان می‌اندازد یکبار " اللهم صلی الله " را می‌خواند و بعداً حلوی باقی مانده را در بین نان روغنی گذاشته به اقارب، نزدیکان تقسیم می‌نماید و هر سال نذر لب آب را می‌دهد و سرخروی و عزت و وقار خویش را از جانب رب العزت تمنا می‌کند.

### بروایت دیگر نذر لب جوی روان

نذر لب جوی نیز روایات دیگر دارد. درین نذر پراته حلوا و مالیده داده میشود. رسم است که زنان و دختران بالای یک دیگر آب می‌پاشند. این را بخاطر اجرا می‌کنند که حضرت سلیمان می‌خواست شمال از یک جای به دیگر جای ببریش . درین وقت است که غچی‌ها گفتند اگر حضرت سلیمان را شمال از یک جای به دیگر جای ببرد خانه گگ های ما خراب می‌شود. نزد حضرت سلیمان شکایت خود را کردند و حضرت سلیمان خواهش آنها را قبول کرد . درین وقت است که خچی‌ها آبرا بروی حضرت سلیمان آب پاش می‌دهند. مردم کابل بسیار به پرنده غچی اهمیت می‌دهند زیرا قصه ابابیل یا غچی در قران هم ذکر است. هیچ کابلی تا به حال خانه خچی را خراب نکرده بلکه متبرک می‌دانند و هم کسی غچی را آذیت ننموده است زیرا غچی آورنده بهار یا قاصدک بهار و فصل بارگیری است.



### ۲. نذر سمنک

میله پختن و آماده ساختن سمنک یکی از غنای فرهنگی زنان آریانا باستان است. این عنعنه از هزاران سال قبل به اینطرف برای ما به میراث گذاشته شده است. این میله فرصتی طلایی برای زنان است تا ساعاتی مشغله‌های زندگی را کنار گذاشته و یکجا با هم به خوشی و سرور بگذرانند. سمنک نذر نیز گفته می‌شود. معمولاً میله سمنک در نوروز اجرا میشود. ولی بعضی از زنان کابل در موسم بهار این نذر را با میله زنانه

جشن می گیرند. غرض آماده ساختن سمنک مراحل ذیل را باید مراعات نمود تا سمنک آماده گردد.

### تهیه سمنک

برای تهیه سمنک، گندم تر شده را در یک ظرف هموار می کنند و آن را همیشه با آب زدن یا در زیر باران گذاشتن تر نگه می دارند تا اینکه گندم ریشه کشیده و یکی با دیگری پیچد و بلند می شود و قتیکه سبزه سمنک خوب رسید، آنرا می کوبیدند و یا هم از ماشین می کشند. سپس آنرا صاف نموده، شیره آنرا جدا می سازند. همین شیره گندم را دردیگ های بزرگ انداخته و با آرد و آب می پزند. در هنگام پختن مراقبت خیلی زیاد نیاز دارد. لحظه نباید کبچه زدن توقف نماید؛ زیرا سمنک در یک چشم به هم زدن دردیگ می چسبد. هنگام جوشش چند دانه چهار مغز نیز به آن می افزایند و پیهم تا تهیهرها را خانمها و دوشیزه گان انجام می دهند و معمولاً سمنک پزی در شب انجام داده می شود. دوشیزگان تا سپیده دم که سر دیگ را می گشایند، به نوبت کفگیر می زنند و همزمان با آن ترانه مخصوص سمنک پزی را با دایره زدن می خوانند:

سمنک د رجوش ما کفچه ز نیم  
دیگران در خواب ما دفچه ز نیم  
سمنک نذر بهار است  
میله شب زنده دار است  
این خوشی سال یکبار است  
سال دیگر یا نصیب

\*

سمنک د رجوش ما کفچه ز نیم  
دیگران در خواب ما دفچه ز نیم  
آرزو امشب خرو شد،  
سمنک در خود بجوشد،  
د لخوشی جامه بیوشد  
سال دیگر یا نصیب

\*

سمنک د رجوش ما کفچه ز نیم  
دیگران در خواب ما دفچه ز نیم  
این گل فصل بهاران،  
د لخوشی دارد هزاران

خا صه برشب زنده داران،

سال د یگريا نصيب

\*

سمنک د رجوش ما کفچه زنيم

د یگران د خواب ما دفچه زنيم

بیشکر شیرینی دارد

خود بخود رنگینی دارد

طعم خوشی چون فرنی دارد

سال د یگريا نصيب

\*

سمنک د رجوش ما کفچه رنيم

د یگران د خواب ما دفچه زنيم

خوش نماید رو به جوشش

دیدنی باشد خر و شش

ساجک د ارد به دوشش

تا سال د یگريا نصيب

سمنک د رجوش ما کفچه زنيم

د یگران د خواب ما دفچه زنيم

شا هد عیش بها راست

موجود شرو شرا راست

وسعت هرگیرو داراست

سال د یگريا نصيب

\*

سمنک د رجوش و ما کفچه زنيم

دیگران در خواب ما دفچه زنيم

سمنک نذر بهار است

میله شب زنده دار است،

دختر دورش قطار است

این خوشی سال یک بار است



سال دیگر یا نصیب... این تنها سرودی نیست که دختران یکجا با خنده و کف زدن‌ها آن را می‌سرایند. آنها یکجا با صدای تحسین بزرگان خانواده سرودهای فلکلور دیگر را هم با دف و دایره یکجا می‌سرایند:

شاه دختر شکر دختر شاهی دختران  
چشمایته به مه بمان یار بدگمان  
چشمایمه چه می‌بینی یار بدگمان  
در بازار سرمه دیدی مه مثل همان  
شاه دختر شکر دختر شاهی دختران

جشن سمنک برای دختران که کمتر می‌توانند شبی در کنار هم بشینند و خوش بگذرانند، فرصت خوبی است. بسیاری شان شاید آرزوهایی به دل دارند که در زندگی به هیچ‌کسی گفته نتوانند. آنها حین کفگیر زدن، در دل خود آرزویی می‌کنند.

### دعا خوانی و بدست آوردن مراد

در اثنای کپچه زدن دخترها هرکدام مراد دل خود را در زیر لب می‌گویند. برخی چند، چند دانه چار مغزبه شگون برآورده شدن مراد شان در دیگ می‌اندازند. عده هم چند برگ از سبزه را به رسم مراد گرفتن حساب می‌کنند، اگر شمار سبزه‌ها تاق برآمد نشانه از برآورده شدن مراد شان است و اگر جفت برآمد برای گرفت تا سال دیگر باید منتظر بمانند"

### دم دادن

سمنک را که تا حدودی سخت می‌شود در دمهای صبح دم می‌دهند.

### توزیع و خوردن سمنک

پس از اینکه سمنک آماده می‌شود سر دیگ با خواندن دعاها باز می‌شود هرکی امید دارد امید خود را در دل می‌گویند. سپس سمنک برای همه توزیع شده نوش جان می‌کنند.

### جغرافیای سمنک

پختن سمنک، میله سمنک در بین مردمان آریایی مانند افغانستان تاجکستان ازبکستان ایران پاکستان و شمال هند مروج است.



### ۳. نذر مشکل گشا

در زمان که خانواده ها به مشکل روبرو میشوند اجرا می گردد. این نذر خیلی معروف بوده و در میان زنان افغانستان بیشتر مروج است. این نذر در مواردی چون برآورده شدن حاجات، شفای بیمار، نایل شدن به زیارت مزارهای پاکان و اماکن مقدسه، رهایی از فقر و تنگدستی، رسیدن مسافر به خانه و مانند اینها داده می شود. قبل از ادای نذر نیت می کنند. در نیت کردن دو هدف در نظر گرفته می شود. اول مراد مطلوب و دوم اندازه مصرف نذر. مصرف معمولاً به اندازه بنیه مالی نذر دهنده تعیین می گردد، روایت است که کمترین اندازه مصرف سه پیسه یا معادل آن است. نیت نذر: "یا غوث الاعظم دستگیر! مرا به مرادم برسان. اگر به مراد خود رسیدم برای خشنودی روح نذر مشکل گشا را یکبار در آخر هر ماه می دهم و ادای آن را به گردن خود دین می دانم." زمان گسترانیدن خوان نذر: پس از برآورده شدن حاجت میباشد. سفره نذر صبح یا عصر هموار می شود. ترتیب دادن نذر

زنی که طالب مراد خویش است به اندازه معادل سه پیسه یا زیادتر از آن کشمش نخود می خرد. بعد یک دسترخوان نظیف را هموار کرده و کشمش نخود را در آن می گذارد. هفت زن به دور دسترخوان می نشینند و کشمش نخود را پاک می کنند. بعد از آن کشمش نخود را هفت قسمت می کنند و قبل از خوردن و تقسیم کردن آن، قصه بابه خارکش را که به برکت این نذر پولدار شده بود به دیگران می گویند و بعد به خوردن آن می پردازند. ولی بعضاً به خاطر خوشی اولادها این نظر را چندین بار اجرا می نمایند تا اولادها خوشی کنند.



### نذر و داستان مشکل گشا در روایات دیگر

بی بی مشکل گشا از جمله بی بی ها و روحهای پاک نیکوکار بوده، در دوام زمانه های دور و دراز موجودیت خود را همچون یکی از پدیده های نیک و اعتقادی در ذهن، تفکر و پندار و باورهای مردم افغانستان حفظ کرده است. بی بی مشکل گشا نذری دارد که دادن آن توسط برگزارای معرکه ای مخصوص زنان از طرف این یا آن زن آرزومند در روز

چهارشنبه هفته آخر ماه صورت می‌گیرد. به سخن دیگر، زنان افغانستان به امید حل مشکلات زندگی و رفع احتیاجات مادی و معنوی خویش می‌پردازند.

همچنین به مناسبت رویدادن عده ای از حادثات خوسی آور چون تولد کودک نو در عایله، بازگشت مسافری به خانه خویش، شفایافتن شخص از بیماری و دیگر رویدادهایی مانند اینها، دایرکردن معرکه مربوط به دادن نذر بیبی مشکل گشا نیز به مشاهده می‌رسد. بعضاً به مقصد بخیر داخل شدن عروس رهایی از فقر و یا داماد نو و خوش بخت و خوطالع شدن آنها همچنان برای دفع نظر بد نذر مشکلگشا را به گردن می‌گیرند. دادن نذر و ادای آن با پختن پلو، آش کاچی، شله زرد یا شیربرنج، نان روغنی یا شیری، تهیه یک مقدار کشمش و نخود، رفتن به زیارت مزار بزرگان و جاهای مقدس، دادن پول یا چیزی دیگر رفع می‌گردد.

### طرز گردهم آیی نذر بیبی مشکلگشا قرار ذیل است

هفت زن مسن و میانسال به شمول صاحب خانه نذردهنده در اطراف دسترخوان مینشینند. یکی از آن زنها کتابخوان است و با نام «بیبی خلیفه» یا «بیبی آتوم» یاد میشود. نذردهنده در روی دسترخوان انواع نذر به اندازه نیم کیلو کشمش سبز یا سرخ، همین قدر نخود، دو یا سه دانه نان روغنی یا شیری کمی نمک، دو دانه شمع یک مقدار پخته پاک را مهیا میسازد. بی بی آتوم شمع ها را در داده و پخته را دو تقسیم نموده، هر قسمت آن را به نزد هر کدام از شمعهای فروزان می‌گذارد. او کشمش را برای تازه کردن در بین زنها تقسیم می‌کند. زن ها دمچه‌های کشمش را کنده، آنها را در بین پنبه جمع می‌کنند. بعداً آنها در آب آسیاب یا به آب دریا انداخته میشود. بعد از این، بی بی آتوم که سروری مجلس را به عهده دارد، عبارت «بسم اهلل الرحمن الرحیم» را به زبان آورده، به خواندن افسانه بیبی مشکلگشا شروع می‌کند. دیگران همزمان با کندن دمچه هر دانه کشمش، صدای خواندن بی بی آتوم را با دقت گوش می‌دهند و دلسوزی خود را نسبت به بابای خارکش و زن او نشان می‌دهند.

### متن افسانه مذکور به این معنی است

بود نبود یک بابای خارکش بود. هر قدر که غریبی می‌کرد، فقط آنوقت شب و روز خود و عایله خود را پیدا میکرد. روزی از روزهای بارانی، خارکش به امید خدا پس خاربه کوه می‌رفت. در راه روان بود، دید که دو بی بی رخت میشوند. این دو بیبی به بابای خارکش روی گشتانند و گفتند:

- بابای خارکش کجا می‌روی؟

بابا گفت:

- می‌روم پشت خار.

دو بیبی گفتند:

- امروز ما کالا می‌شویم، ما را یک نره او بته؛ به ما کمک کن که خدا کمکت کند.  
بابای خارکش بیبی‌ها را آو داده، ریسمان خوده با تیشه خود گرفته میخواست طرف  
خانه روان شود. بی بی‌ها برایش گفتند:  
- بیا که تحفینه بتیم.

بابای خارکش پیش رفت. آن دو بیبی سه خلته ریگ برای بابای خارکش دادند و گفتند:  
- وقتی که به خانه رسیدی، اول دو رکعت نماز خوانده، بعد از آن رو به قبله ایستاده شده،  
درکنج خائنه دعا می‌کنی که الهی، غوث اعظم، دستگیر من و تمام خلق کن. بعد از آن  
ریگ را در زیر زمین گور می‌کنی و شب خواب کرده، صبح وقت برخاسته و دو رکعت  
نماز خوانده، ریگ را لوچ کو، می‌بینی که آن ریگها به لعل و جواهر مبدل شده است.  
پیش از اینکه به لعل و جواهر دست پیش کنی، سه پیسه نذر مشکلگشا را به گردن  
می‌گیری و می‌گویی: خدایا، من هر ماه یک بار این نذر را می‌تم. بعد از این لعلها را  
گرفته خرج می‌کنی. بابای خارکش با خلته‌های ریگ به خانه خود رفت و همان قسم که  
بی بی‌ها گفته بودند، ریگها را در زیر زمین گور و شب را صبح کرد. صبح وقت  
برخواست،

بعد از ادای دو رکعت نماز، روی زمین را لوچ کرد، لعلها را دید و پیش از اینکه دست  
به لعلها بزند، سه پیسه نذر مشکلگشا را به گردن می‌گیرد. و لعلها را جمع و با زنش  
مشوره می‌کند و می‌پرسد! این لعلها را چی کنم و از آنها چی کار بگیرم؟ زنش می‌گوید  
به بازار پیش زرگر برو، آنها را بفروش. بابای خارکش لعل و جواهر را پیش زرگر  
می‌برد و زرگر پول زیادی برایش می‌ده. وقتی بابای خارکش پول زیادی می‌بیند، تعجب  
می‌کند که به عوض چند دانه لعل و جواهر این قدر پول زیاد به دستش می‌رسد. بعد از  
این به زرگر می‌گوید من بعد از این، لعل و جواهر آورده، قسمت آن را به تو داده میرم  
و تو میدانی و فروش آن. بعد از آن بابای خارکش هر وقت لعل و جواهر به زرگر  
می‌برد و در عوض اش از زرگر پیسه زیاد می‌گیره؛ خانه آباد می‌کنه؛ زمین و ملک  
می‌خره؛ ولی در آخر هر ماه سه پیسه نذر مشکلگشا را که به گردن گرفته بود،  
می‌پردازد. از برکت این نذر بابای خارکش با پادشاه رابطه پیدا می‌کنه. همنشین پادشاه  
میشه و دخترش با دختر پادشاه خواهر خوانده میشه. اما از زیادی پول و پیسه و خرج و  
عیش زیاد ادای نذر از یادش میره. یک روز در اثنای بازی کردن دختر پادشاه و دختر  
بابای خارکش، گل میخ طلایی دختر پادشاه گم میشه و با وجود پالیدن زیاد، گل میخ  
خوده نمی‌یافه. بعد از آن رو به دختر بابای خارکش می‌گه:  
- گل میخ طلایی مه تو گرفتی.

وقتی پادشاه از گم شدن گل میخ طلایی دخترش خبر میشه، به بابای خارکش میگه:  
- تا چهل روز اگر گل میخ طلایی دختری مه پیدا نکردی، امر کشتن ته میتم.  
بابای خارکش به امر پادشاه بندی شد. یک شب زن بابای خارکش خواب دید که کدام کس  
برایش میگه: « وقت زیادی شده که سه پیسه نذر مشکل گشا را ندادی، باید نذری که به  
گردن گرفتی، ادا بکنی. زن بابای خارکش از خواب بیدار و صبح همان شب، سه پیسه  
رابه دست گرفته به دروازه خانه کوچه ایستاده میشه و منتظر میشه تا رهگذری از  
نزدیک خانه اش بگذرد. در این اثنا یک شاه یا نوداماد با خویش و قوم و دوستان خود  
پشت عروس می‌رود. زن بابای خارکش رو به داماد کرده، از او خواهش می‌کند که این  
سه پیسه را بگیر و برو کشمش و نخود بیار. ولی شاه پیسه زن بابای خارکش را نمیگیره  
و میگه: مادر جان! من یک شاه سر اسب سوار هستم و ما پشت عروس خود می‌رویم.  
زن بابای خارکش دلسوخته و غمگین میشود. هنوز شاه چند قدمی نرفته... از اسب پایین  
میافته و دستش میشکند و باز به طرف زن بابای خارکش میگردد و میپرسه:  
- آیا دعای بد کردی؟

زن بابای خارکش قضیه نذر خود به شاه می‌گوید. دل شاه به زن بابای خارکش میسوزه  
و سه پیسه او را از دستش میگیره و کشمش و نخود برای او می‌آوره و با زن بابای  
خارکش ایستاده میشه. زن بابای خارکش دو نذر گذشته را که شوهرش به گردن خود  
داشته و فراموش کرده بود نیز می‌دهد. در اثنا فاتحه خوانی و با هفت قسمت کردن  
نذر، یک شخص نورانی و ریش سفید... پیدا میشه و دست شکسته شاه را لعاب دهن  
میته و دست شاه خوب شده، به حال اصلی اش بازمی‌گردد. زن بابای خارکش بعد از  
تقسیم نذر به خانه خود می‌آید و دست دختر خود میگیره و میگه:

- بچم، سه روز بعد بابه ات کشته میشه؛ بیا به امید خدا خانه پادشاه بریم، امیدوارم  
پادشاه مهربان شوند و گلمیخ طلایی دختر پادشاه پیدا شده و بابه ات از بندیخانه آزاد شوه.  
زن بابای خارکش دست به دست دختر خود به طرف پادشاه می‌روند.  
وقتی که با زن پادشاه شیشته میباشه و گپ میزنه، میبینه که یک مرغ خانگی گل میخ  
طلایی دختر پادشاه را در نول خود گرفته می‌آید و همه شان گلمیخ طلایی را می‌بینند و  
آن را از نول مرغ می‌گیرند و خوشی می‌کنند و به پادشاه خبر می‌رسانند. درین حال،  
پادشاه بابای خارکش را از برکت نذر مشکلگشا به مرادش می‌رساند.  
هیچکس باید در این نذر شک نیاره و هر که این نذر از صدق دل در هر ماه به هر  
مقصد و مطلب بته، خدا مرادش میده.



با ختم خواندن افسانه، بیبی خاتون صلوات شریف را قرائت می‌کند و بعداً همه حاضرین به مشکل صاحب معرکه و ارواح پاک بی بی مشکل گشا به جا آورده از او کمک می‌طلبند. مثال یکی از زنهای حاجتمند می‌گوید:

یا غوث العظم، مرا دستگیری کن، به مرادم برسم. اگر به مراد خود رسیدم، برای خشنودی روح نذر مشکلگشا را در آخر هر یک ماه یک بار می‌دهم و ادای آن را به گردن می‌گیرم. با همین ترتیب، مرحله اساسی معرکه دادن نذر بیبی مشکلگشا پایان می‌یابد و مهمانان پس از صرف طعام تهیه شده با دستاویزهایی که در این معرکه نصیبشان شده است، خوش و خرسندانه به خانه‌هایشان برمیگردند.

#### ۴. نذر موی

کسان که اولادشان نمی‌ماند یا جلوگیری از مریضی‌های مرگ آور برای پسرشان ادا می‌نمایند. در بعضی فامیله‌ها بچه نمیشود یا اولاد نمیشود. یا پس از تولد می‌میرد. در چنین حالت خانم چند دار موی اولادشان که تولد شد قطع نمی‌نماید زمانیکه پسر هفت یا هشت ساله شد پس از دادن نذر و خیرات که به گردن گرفته چوتی موی را قیچی می‌کنند.

#### ۵. نذر ادای چادر بی بی

زنان قبل از مردن هفت چادر هفت پیراهن هفت چپک هفت تنبان را برای هفت خانم بیوه داده نذر ادا می‌شود. در کابل تقریباً تمام زنان کابل که پیر و مریض میشوند این نذر را ادا می‌نمایند. بدون دادن این نذر دین دار از دنیا می‌روند ضرور است فرزندانشان این دین را ادا کنند.

#### ۶. نذر شعله سفید

در هر سال یکبار و در ماه برات که ماه تولدی حضرت امام مهدی آخر زمان "رض" است گرفته می‌شود.

#### ۸. نذر شعله اولبه

در ماه که زنان زچه باشند از طرف اقارب و نزدیکان ادا میشود.

#### ۹. نذر خجور نان از سمنک

این رسم تنها متعلق به زنان کابل بود. زمانیکه در بهار به زیارت نمودن خواجه شفا و صفا کابل می‌رفتند در پهلو دیگر غذاها خجور و نان از سمنک می‌بردند.

۱۰. نذر حلوا شب مردگان: این نذر در شب عرفه ادا میشود. گویند مردگان درین شب به زیارت خانه خود می‌آیند.

۱۱. نذر در گردن گرفتن دلخوا و بند بسته نمودن به مقاصد خاص در زیارت شاه

دوشمشیره و زیارت بابای خودی کابل.

### ۱۲. نذر شعله زرد دهم ماه محرم

شعله در روز دهم محرم بخاطر شهید شدن امام حسین در هر خانه افغان پخته شده به همسایه ها داده میشود. باید گفت مراسم عزاداری بر شهدای کربلا، مختص یک مذهب خاص در افغانستان نبوده است بلکه تمام مسلمانان این کشور اعم از شیعه و سنی شهادت امام حسین (ع) را گرامی می‌داشته، در آنروز عزاداری می‌نمایند. در ماه محرم شب عاشورا مردم کابل در خانقاه‌ها و زیارت‌گاه‌ها، جمع شده ذکر میکنند، مرثیه می‌خوانند، ستایش خدا و نعت پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) را جاری می‌سازند و عَلم مبارک را از خانقاه و زیارت‌گاه‌ها بیرون آورده و حمدگویان و ذکرکنان به طرف زیارت تمیم انصار (ع) می‌برند و شب تا سحر به ذکر و خواندن مشغول بوده و صبح روز عاشورا، عَلم مبارک را ذکرگویان به خانقاه و زیارات برمی‌گردانند. عزاداران اهل سنت در روز عاشورا برای گرامیداشت از شهدای کربلا غذاهای نذری از قبیل شله زرد، شله گوشتی، حلوا و شربت را خیرات می‌کنند.



### ۱۳. نذر کاچی

این نذر به ارواح خانم مقدس بنام "بی بی سه شنبه" داده میشود. او یکی از زنان مقدس و نیکوکار و معاصر با دختران پیغمبر بی بی حور و بی بی نور بوده است. وجه تسمیه "بی بی سه شنبه" در آنجاست که این زن مقدس، در روز سه شنبه بدنیا آمده و روز سه شنبه از دواج کرده و روز سه شنبه هم فوت نموده است و به همین جهت نام او را "بی

بی سه شنبه گذاشته‌اند. لهذا نذریبی سه شنبه در سه سه شنبه هموار می‌کنند، دوتای آن را قبل از برآورده شدن حاجت و سومی را پس از برآورده شدن حاجت.

«رسم بوده در روز سه شنبه حاجتمندی که حاجت روا شده بساط پخت نذری را برپا کند و کاجی ای را که متبرک به نام دو بانوی پاکدامن بوده به عنوان برکت و نشانه قبولی حاجت به حاجتمندان زن تقدیم کند. صاحب نذر که همیشه یک خانم بوده است به نیت سپاسگزاری و رواج این نذر عده ای خاص را دعوت می‌کند و در حضور ایشان به پختن می‌پردازد. بانوی صاحب نذر آرد را برای پخت کاجی بو می‌داد (البته کمتر از زمانی که برای حلوی معمولی صرف می‌شود) و روغن را به آن اضافه می‌کرد و در نهایت آب شکریا گر و زعفران را در آن می‌ریخت. دور دیگ کاجی، بانوان حاجتمندی که نباید باردار باشند جمع می‌شدند و با خواندن ذکر و دعا در به هم زدن کاجی شریک می‌شدند تا خودشان هم حاجت روا شوند و بانی پخت در سه شنبه ای نزدیک باشند. پخت این کاجی به حرمت رعایت آداب اولیه که به باور مردم بی بی حور و بی بی نور اجرا کرده‌اند باید در اتاق یا فضایی تاریک که دریچه ای به سوی آسمان ندارد، باشد و هیچ مرد یا حتی بچه پسر یا زن باردار که احتمال می‌رود بچه اش پسر باشد نباید شاهد پخت این نذر باشند یا از آن بخورند. کاجی در فضایی تاریک که با نوری کم یا شمع روشن شده و در بالای سر دیگ، سینی شامل ظرف آب و آینه و حنا و سرمه دان و شمع قرار دارد پخت می‌شد. کاجی بعد از پخته شدن فقط در بین ساکنین اتاق پخش می‌شد و از اتاق بیرون نمی‌روند و حتی شستشوی ظروف کاجی نیز در همان مکان سر بسته انجام می‌گردد. از این کاجی به غیر از اهالی آن مکان تاریک کسی نباید بچشد و بانو مجلس کاملا متوجه است که شرایط پخت و بعد از آن رعایت شود چرا که این مراسم کاملا زنانه است (آن هم نه همه زنان).



## ۱۴. نذر هفت میوه در اول حمل

هفت میوه خوراکی مخصوص ایام عید نوروز در افغانستان و ترکیبی از میوه‌های خشک و مغزیجات است. در افغانستان میوه جات خشک مانند چهارمغز، کشته، غولینگ، پسته، خسته، کشمش سرخ و سنجد میباشند. که بسیار خوش طعم و مزه دار می‌باشد. تاریخچه هفت میوه به گذشته‌های دور بازمی‌گردد. بخاطر مقدس بودن عدد هفت از این تعداد میوه و مغزی جات در تهیه آن استفاده می‌شود و مصرف این هفت میوه در روز نوروز شگون نیک دارد.

در ایران در جنب اینکه هفت میوه را می‌شناسند در سفره نوروزی میوه و چیزی که حرف اولش سین باشد مانند سرکه سیر سنجد سبزی سیب سبزه گل سماق و یا سفره هفت شین مانند گل شقایق شهد شربت شراب و بته شمشاد را آماده می‌کنند. در کابل قطعاً مروج نیست.

## ۱۵. نذر نان و حلوا پس مرده ها

این نذر پس از اینکه شخص می‌میرد برای اینکه راحت باشد حلوا پخته به مردم توزیع می‌شود. این حلوا الی روز ۴۰ شخص هر پنجشنبه شام پخته شده به همسایه گان تقسیم می‌شود. بعد از یکسال که گلیم مرده جمع میشود برای آخرین باز پخته شده به همسایه ها توزیع می‌شود. بسیار فامیل ها در کابل در هر سال به همان روزیکه میت فوت نموده حلوا پخته شده به دوستان و همسایه ها توزیع می‌شود.

۱۶ نذر و خیرات نان خشک غرض آوردن برکت در خانه. بعضی از مردم برای بدست آوردن حاجت به مردم نان خشک توریع می‌نماید.

## ۱۷. دیگچه در روزهای عاشورا

عزاداران حسینی در افغانستان علاوه بر ماه صفر در ماه محرم نیز دیگچه را به عنوان یک غذای نذری رایج پخت کرده در میان مردم توزیع می‌کنند. دیگچه که شبیه به شیر برنج است معمولاً به صورت گرم در بین عزاداران توزیع می‌گردد.

۱۸. نذر ماه برات به منظور بیشتر شدن طول عمر در یک غوری هفت میوه گذاشته هفت شمع دور آن می‌گذارند. یک کاسه را پر خینه نموده همه دست خود را خینه می‌نمایند.





۱۹. بند بستن و ذبح گوسفند به منظور های خاص رهای از مریضی مشلات و مسافر

### ۲۰. نذر دیگچه ماه صفر

نذر مراد دهنده ی است. بدو قسم است یکی قید و دیگرش آزاد است. قید آنست بعد از اینکه دیگ را پخته کرد با پلته شمع سر دیگ را باز نموده دیگچه طوری تقسیم می کنند که هرکس به اندازه توان آنرا خورده بتواند. و هم بیرون از حویلی نمی برابند. دیگچه آزاد آنست که دوستان را خبر می کنند و سالندهای رنگارنگ پخته می کنند و شادی می کنند. هر سال یکبار در یکی از روزها چهارشنبه ماه صفر آنرا به روح پرفتوح حضرت محمد ص اهدا مینمایند. شیربرنج پرهیزانه حضرت محمد ص بوده و این اولین بارتوسط حضرت بی بی فاطمه الزهرا "رض" به خاطر سلامتی امام حسین "رض" در ماه صفر داده شده است. مردها حق خوردن دیگچه را ندارند.

### ۲۱. نذر سید سرخ روی

نظر پراته حلوا است که تنها بروز یکشنبه برای اقارب داده میشود.

### ۲۲. نذر دسترخوان سخی

نذر دسترخوان سخی بیست هفتم ماه مبارک رجب داده می شود. طوریکه بانوی گرامی که این نذر را وسیله قرار داده و از خداوند برزگ تقاضا می کند که آرزوهایش برآورده شود. البته نیت و به گردن گرفتن نذر را در خانه دوستان از ایشان دعوت می کنند میگیرند. طوریکه با دست از طرف که نذر بین آن قرار دارد محکم گرفت و مراد اش را یادآوری می کند. زمانیکه مرادش حاصل شد سال آینده خودش در خانه خود این نذر را آماده و با دوستان روی دسترخوان صرف می کند.

پوست میوه های نذر را جمع آوری کرده باید به دریا یا اب روان می اندازند. مواد لازم این نذر هفت میوه خشک است. با هم مخلوط و در بین تغاره سفالی می اندازند. یک پیمان و یک دسترخوان مخصوص نذر می گذارند، همه سالانه بالای ان نذر می دهند.

### ۲۳. نذر چهل تن

نذر و خیرات چهل تن که معمولاً توسط زنان و دختران در سالی حد اقل یکمرا تبه راه اندازی می شود چنین است که خانم صاحب خانه رشمه طویلی را چهل بند یا گره می زند بعداً آنرا بنام نذر چهل تن مسمی نموده به چهل خانه همسایه و اقارب گسیل می دارد هر فامیل به اسهم خود یک گره رشمه را می کشاید مطابق استعداد و توان مالی خود تحفه های جنسی یا نقدی را در دستمال حامل گره تحویل می دهد در زمان های دور این گره توسط چهل فامیل کشایش می یافت. اما امروز صرف رشمه گره شده را در پنج فامیل و



خانه یا هفت فامیل خانه می‌برند و توسط آنها پنج یا هفت گره کشاده می‌شود و در عوض بکمک‌های جنسی و یا نقدی حامل رشمه گره توزیع می‌گردد بعداً صاحب نذر مواد جنسی جمع شده را با سایر موادیکه خودش تهیه دیده در دیگ کلان انداخته آتش دلدۀ پخته می‌کند و به تمام خانه‌های اقارب و همسایه و خانه‌هاییکه در کشایش گره‌های رشمه سهم عملی گرفته‌اند توزیع می‌نماید بعد از صرف طعام آیات قرآن کریم و دعا خوانده می‌شود و بروحانیت گذشتگان دعا و از خداوند کشایش کار و دفع بلاها را مطالبه می‌نمایند.

#### ۲۴. نذر مولودی یا روز تولد پیامبر مسلمانان

این نذر، در ماه مولود شریف بر روی پرفتوی حضرت محمد "ص" گرفته می‌شود و هر سال در روز تولدی حضرت محمد "ص" یا روز مولود داده می‌شود. در این روز مردم ما، شله غوربندی یا شله شیرین می‌پزند و به غریبان و خویشاوندان و دوستان خویش تقسیم می‌نمایند. می‌گویند مردی هر سال نذر مولودی را می‌داد، مگر یکسال قرضدار بود و پول کافی نداشت تا نذر مولودی را تهیه نماید. بنا تصمیم گرفت که دختر یکدانه اشرا بنام آن حضرت گرو نموده و نذر مولودی را بدهد. دخترش را به بازار برد تا او را به گرو دهد. دیری ایستاد، مگر هیچ‌کس پیدا نشد تا دخترش را گرو بگیرد. دخترک را نزد مرد یهودی برد و گفت: این دختر من است می‌خواهم امسال او را گرو کرده و نذر مولودی را بدهم یهودی گفت: اگر پیامبر تان کرامات دارد، خودش برای تان پول بدهد. مرد مایوس گردید و دخترک خود را دوباره به خانه آورد. خانمش گفت که برو دختر را در بازار بفروش تا نذر را بدهیم. مرد دخترک را به بازار برد تا او را بفروشد. زمانی گذشت تا بالاخره جوانی از یمن پیدا شد و او را خرید. پدر پول فروش دخترش را گرفته و به خانه آمد. مادر دخترک که شوهرش را بدون دخترش یافت خیلی جگرخون گردیده و به گریه و زاری پرداخت و از هوش بیهوش گردید. جوان یمنی که دخترک را خریده بود، حضرت محمد "ص" را در خواب می‌بیند که به او خطاب می‌کند که ای جوان یمنی! من همیشه به سر وقت تو خواهم رسید و در روز آخرت ترا شفاعت خواهم کرد، اما به شرطی که دخترک را دوباره به مادرش بسپاری. جوان مذکور بعد از آن که از خواب بیدار گردید از دخترک جویای احوال گردید و علت فروختن او را پرسید. دخترک گفت که مایول نداشتیم تا نذر مولودی را بدهیم به این خاطر پدرم مرا بفروش رساند. جوان دست و روی دخترک را غرق بوسه کرد و گفت که من امشب از برکت تو آن حضرت را بخواب دیدم و تو از همین لحظه به بعد آزاد استی و می‌توانی که دوباره نزد والدینت بروی. دخترک خرسند شد و نزد مادرش برگشت.

## ۲۵. نذر شاه نجات

پادشاهی نذر کرد که اگر از حادثه ای نجات یابد، پولی به پارسایان یا انسانهای صادق دهد! چون حاجتش روا شد، به غلام خردمندش پولی داد تا به پاکدامنها دهد... پس غلام هر شب نزد پادشاه می آمد و می گفت هر چه روز جستجو کردم، پاکدامن و صادقی نیافتم... پادشاه گفت طبق اطلاع من، چهارصد اشخاص صادق و پاکدامن در کشور من است... غلام گفت آنکه راست کار است، پول ما را نمی پذیرد و آن کس که می پذیرد، پارسا نیست! پادشاه خندید و فرمود حق با غلام است بروید پول به کس که غلام نوکر و قرضدار باشد دهید.

## ۲۶. نذر قعود (خواجه خضر ولی)

این نذر در شب که تبدیل سال میشود اجرا می گردد. کسیکه از بلاهای طبیعی مرگ زندگی هر چیز بترسد دسترخوان از شمع نان حلوا میوه جات خشک را هموار نموده دعا و فاتحه می کنند که خداوند مراد نذر دهنده را داده در سال آینده از چیزی نترسد. تا زمان که سال نو میشود در اطاق را قفل نموده در سال آینده برون از اطاق میشود.

## ۲۷. نذر عقیقه یا ذبح گوسفند

یکی از رسوم عرب در اسلام است که عربها بکابل انتقال داده اند. مردم کابل به این نذر چندان علاقه ندارند اگر کسی توانش را دارد اجرا میکند. در اسلام عقیقه کردن برای تولد فرزند است. عقیقه که به معنی قربانی کردن با آداب خاصی می باشد، مستحب است که در روز هفتم پس از تولد فرزند، بر کسی که قدرت مالی بر آن داشته باشد، قربانی باید انجام گیرد. اگر به هر دلیلی در روز هفتم عقیقه انجام نگرفت تا هنگام بلوغ فرزند بر پدر واجب است که عقیقه نماید و اگر انجام نداد بعد از بالغ شدن فرزند، بر خودش مستحب می باشد. عقیقه در حقیقت هم شکرانه است و هم بیمه کردن فرزند از بلاها، همانطوری که در روایت هست هر فرزندی در گرو عقیقه است. اگر حیوانی برای عقیقه یافت نشد، روا است صبر کنند تا بدست آمده و سپس عقیقه کنند.



## ۲۸. نذر مالیده و ماست

نذر مالیده مالیده یکی از غذا های نذری افغانستان است که معمولاً خانواده‌های افغان در هفتم محرم و آخرین چهارشنبه ماه صفر که به چهارشنبه‌سوری معروف است آماده می‌کنند. بسیاری به‌عنوان نذری و توسل به حضرت زهرا و امام حسین، طبخ میکنند. برخی از مردم افغانستان معتقدند از آنجایی که این نذر، در ابتدا توسط دو دختر که همواره در کشوری غیراسلامی زندگی داشته مورد آزار و اذیت بوده‌اند، اجرا شده است. این نوعی نذر زنانه محسوب می‌شود که شرکت برای مردان و پسران ممنوع است. مالیده نذری، بیشتر در روز چهارشنبه همراه با ماست، بر سر سفره‌های نذری قرار می‌گیرد. زنان افغان بر این باورند که زنان باردار نیز در صورتی که پسری در شکم داشته باشند با خوردن این نذر، باید آن را خود نیز ادا کرده و اگر دختری در شکم داشته باشند، باید اسم او را بی‌بی حور یا بی‌بی نور بگذارند. امروزه، برخی زنان افغان، به‌منظور حاجت‌روایی، این نذر را با توسل به حضرت زهرا انجام داده و برای ادای آن به‌صورت سالانه، محفلی زنانه را در زمان مشخصی، ترتیب داده و پس از خواندن دعا و نیایش، با مالیده از مهمانان خود پذیرایی می‌کنند

## ۲۹ - نذر بابای ولی

زیارت بابا ولی در شهرقندهار قرار دارد. زمانی‌که تیمورشاه به کابل آمد با خود ۴۰ هزار فامیل را نیز آورد. زنان این خانواده ها نذر های به خاطر بابا ولی اجرا مینمودند. ولی آهسته آهسته نذر بابا ولی کم شده رفت در چندین سال اخیر زنان کابل نذر بابا ولی را فراموش نموده اند.

## ۳۰. نان و حلوا، شیر چای و چای قیماق

در ایام ماه محرم در تکیه خانه‌ها و مساجد در افغانستان برای پذیرایی از عزاداران در کنار دیگچه که یک غذای نذری مشهور در افغانستان است از دیگر مواد غذایی مثل نان و حلوا و نوشیدنی‌هایی مثل چای سیاه و سبز، شیر چای و شیر و قیماق استفاده می‌شود. صاحبان عزا در افغانستان در تکیه خانه‌ها و مساجد بسته به توان مالی آنها ممکن است از روز اول محرم تا روز سیزدهم این ماه ادامه یابد.

## ۳۱. نذر پختن روت

آنچه اطفال که نو قدم می‌ماند در زیر قدمهایش روت را لول می‌دهند تا طفلشان بدود. این نذر در روزهای اول که پسر خانواده راه می‌رود داده میشود.



### ۳۲. نذر دانه ۴۱ گندم

گندم را دعا نموده سپس گندم را روی بام ریختانده میشود تا پرنده ها آنرا بخورند.

### ۳۵. نذر برنج سفید یا شعله سفید

نذر برنج سفید در هر سال یکبار و در ماه برات که ماه تولدی حضرت امام مهدی آخر زمان "رض" است گرفته می‌شود. نذر گیرنده برنج سفید را بدون نمک در آب جوش داده و اقارب و نزدیکان خویش را دعوت نموده و با ماست آنرا نوش جان می‌نمایند. مردم ما به این عقیده اند که در این ماه زنده گی و مرگ و طول عمر انسان تعیین می‌گردد و هر کس که این نذر را می‌گیرد. از دربار خداوند طول عمر خود و اولادهایش را از بارگاه خداوند متعال استدعا می‌کند و در هنگام نیت نذر این را می‌گویند که خداوندا! به حق حضرت امام مهدی آخر زمان یکسال دیگر نیز به عمرم اضافه نما و عمر یکساله مرا پر برکت و پر ایمان بساز.

### ۳۶. نذر تکیه بی بی زینب

این نذر بعد از هفت روز از دهم عاشورا گرفته می‌شود. گفته شده است که این نذر را اولین بار حضرت بی بی زینب گرفته بود؛ می‌گویند حضرت بی بی زینب، زین العابدین بیمار و برادر زاده‌هایش از کربلا می‌خواستند که بطرف کوفه بروند و در عین راه حضرت بی بی زینب این نذر را به گردن گرفت که بخیر به کوفه برسیم و بی ستر و بی عورت نگردیم. در این نذر، نذر گیرنده از پنج پاره آرد گرفته تا پنج سیر یا پنج کیلو آرد را خمیر نموده و مالیده می‌نمایند و در یک اتاق تاریک نشسته، چادر سیاه بر سر کرده و بالای طشت مالیده زانو می‌زند و هر کس که برای نیت گرفتن می‌آید برایش یک مشت مالیده می‌دهد و در هر بار بر روان پاک شهدای دشت کربلا و دشت بدر و خاصه بر روان پاک سید الشهداء حضرت امام حسین "رض" دعا می‌کند و بر روان پرفتوی حضرت محمد



"ص" درود می‌فرستد.

### ۳۷. نذر آتش ابو دردها یا چهارشنبه سوری

ابودردا از اصحاب محمد پیامبر اسلام و از انصار است. او در بین صحابه به حکیم امت معروف است. ابودردا، معاذ، زید ابن ثابت، و ابوزید در جمع‌آوری قرآن نقش داشتند. نذر ابودردها، نذر امام زین العابدین بیمار است و هنگام بیماری اش بخاطر شفا یافتن خود به گردن گرفته بود. این نذر قسمی است که از پنج خورد تا پنج پاو آرد را خمیر کرده، بعد آنرا آتش می‌برند و آنرا می‌پزند و در بین آن هفت چیز از قبیل: لوبیا، نخود، گشنیز، نعناع، کچالو، زردک و قروت علاوه می‌نمایند و بعداً در دورا دور دیگ آتش یکمقدار تار زرد و نیم خام را دور می‌دهند و وقتی که آتش پخته شد؛ تار دور دیگ را در گردن بیمار حلقه می‌کنند. تا هفت روز در گردن مریض تار می‌ماند و آتش پخته شده را به اقارب، نزدیکان و همسایه گان تقسیم می‌نمایند و هر کس که اش را خورد؛ در ظرف آتش یک مقدار آب انداخته و آنرا به خانه مریض می‌فرستد و مریضدار آبهای ظروف را جمع‌آوری نموده، مریض را با آن می‌شویند و از خداوند متعال شفای عاجل مریض را استدعا می‌کنند.

### ۳۸. نذر سبزی چلو

قسمی است که روایت شده است که این نذر اولین بار توسط حضرت بی بی فاطمه الزهرا و بی بی زینب بخاطر سلامتی و طول عمر اولادهای شان گرفته شده است و به روایت دیگر، این نذر نذر امیرالمؤمنین حضرت علی کرم الله وجهه است. در این نذر برنج را بی روغن و بی نمک در آب جوش می‌دهند و همچنان سبزی را بدون روغن و نمک می‌پزند و همراه ماست نوش جان می‌نمایند. در فاتحه نمودن این نذر چند زن دور دیگ جمع شده و یک الحمد و سه قل هو الله را با نادعلی می‌خوانند و به حق فرزندان شان دعای نیک می‌نمایند. در این نذر قیوداتی وجود ندارد و هر مرد و زن می‌تواند، آنرا بخورد و اگر کسی این نذر را به مراد بخورد؛ در آن روغن و نمک علاوه می‌نماید.





### ۳۹. نذر دستر خوان سخی به روایت دیگر

که هر سال در روز اول حمل یا نوروز گرفته می‌شود. روایت است که این نذر اولین بار توسط حضرت علی " رض " گرفته شده بود؛ یعنی وقتی که حضرت علی به مسند خلافت نشست، بخاطر اینکه در اجرای امور خلافت موفق باشد و رضایت مردم را بدست بیاورد دستر خوان بزرگی را هموار می‌نماید که مشتمل از هفت قسم میوه خشک می‌باشد. بعضی‌ها می‌گویند که این میوه‌ها از هفت نوع باید کم نباشد و از هفت نوع امکان دارد که اضافه گردد و این میوه‌ها عبارتند از: سه نوع کشمش (سرخ، سبز، آبجوش)، سنجد، غولنگ، شکر پاره؛ خسته، پسته، بادام، چارمغز، کشته و غیره. در این نذر، مهمان نواز دستر خوان بزرگی را هموار نموده و طشتهای میوه را به روی دستر خوان گذاشته و هر مهمانی که می‌آید یک گیلاس از میوه‌های مورد نظر را به وی تقدیم می‌نماید و اگر یکی از مهمانها کدام نذر یا نیتی در دل دارد و می‌خواهد نذر بگیرد، یک گیلاس دیگر نیز از صاحب خانه به عنوان قرض می‌گیرد و اگر مرادش برآورده شد در سال آینده خودش نیز دستر خوان بزرگی را هموار نموده و نذر می‌دهد و همچنان هر کسی که بالای دستر خوان می‌نشیند، قبلاً دو رکعت نماز نفل خوانده و نماز اشرا بنام حضرت علی فاتحه می‌کند و بعداً بالای دستر خوان می‌نشیند.

### ۴۰. نذر پله و کشمش

یکی از نذرهای پر سابقه کشور ماست مردم ما عقیده دارند که با گرفتن این نذر مشکلات شان رفع می‌گردد و آنها این نذر را بخاطر سلامتی و جانجوری اعضای خانواده شان می‌گیرند. هر شخص نظر به قدرت و توان پولی خویش یکمقدار پله و کشمش سرخ را به قسم نذر خریداری می‌کند. می‌گویند که این نذر را نخستین بار یکی از وزرا که در زندان زندانی بود گرفته است، گفته شده است که وزیر مذکور، مهتاب سه شبه را هنگام وضو کردن دیده بود.

قصه فولکلوریک آن اینطور نقل شده است

می‌گویند روزی یک بچه از وزیر. دو بچه از پادشاه به سفر می‌روند یکروز به وزیر از باغش خربوزه می‌آید و وزیر که پادشاه را خیلی دوست داشت دو دانه خربوزه را با کارد که در روی آن دستمال را انداخته بود می‌فرستد و قتیکه آنرا به پادشاه می‌برند پادشاه نماز می‌خواند وقتی نمازش را خواند می‌بیند که سر پسرانش با کارد در پتنوس گذاشته شده. پادشاه به خشم می‌شود و وزیر را می‌خواهد و بدون چون و چرا او را زندانی می‌سازد و حتی حکم اعدام او را صادر می‌کند، ولی وزیر دیگرش تا چهل روز ضمانت او را کرده و می‌گوید که وزیر در مدت چهل روز قاتلین پسران پادشاه را پیدا خواهد کرد. وزیر در زندان حضرت علی کرم الله وجهه را به خواب می‌بیند که به او می‌گوید: " یک در هم را

پله و کشمش بخر و به نام نذر حضرت علی به مردم بده تا خدواند مشکل اتر را رفع کن وزیر وقتیکه از خواب بیدار می شود می بیند که دامادی به پشت عروسش می رود، داماد را می گوید که یک درهم را برایم کشمش و پله بیاور اما داماد مذکور انکار می کند و به راه خود روان می شود هنوز چند قدمی بر نداشته است که اسپش چپه می شود و صدای غالمغال مردم بلند می شود که داماد مرد. وزیر به فکر می رود و می بیند یک نفر از راه می گذرد وزیر از شخص مذکور می خواهد که یک درهم را برایش پله و کشمش بیاورد شخص خواهش او را قبول کرده و برایش شی مورد نظر را می آورد وزیر این نذر را بنام حضرت علی "رض" فاتحه نموده و در میان زندانیها تقسیم می نماید. در همان روز پسران پادشاه و یک پسر وزیر به دربار پادشاهی باز می گردند و پسر وزیر از پادشاه می پرسد که پدرش کجاست که به نظر نمی خورد؟ پادشاه از عمل خویش پشیمان می شود و وزیر را فوراً از زندان رها می نماید و از وزیر می پرسد که چرا سر پسرانش را به او فرستاده بود؟ وزیر تمام قصه را به او باز گو می کند. به همین اساس نذر پله و کشمش در بین مردم ما به قسم یک عنعنه باقی مانده است و تا امروز مردم ما به خاطر رفع شدن مشکلات شان نذر می گیرند.

#### ۴۱. نذر بی بی سه شنبه

بی بی سه شنبه از زنان نیکوکار و با ایمان معاصر با بی بی حور و بی بی نور بوده که در روز سه شنبه به دنیا آمد، در روز سه شنبه ازدواج کرده و در روز سه شنبه از دنیا رفته است.

در زمانهای قدیم مردی بود که یک دختر داشت و زنش مرده بود. مرد زن دیگری گرفت و این زن با دختر سازگار نبود.

روزی مادر اندر خود را به ناخوشی زد و به مرد گفت: دختر تو بدقدم است و بودن او در این خانه برای من شگون ندارد. اگر می خواهی بیماری رهایی پیدا کنم باید دخترت را به بیابان ببری و سر به نیست کنی. مرد نادان که این زن را بسیار دوست می داشت، چاره جز اطاعت ندید و دختر را سوار بر اسب کرد و به نقطه بسیار دوری در بیابان زیر درختی خوابانید و خود به طرف شهر حرکت کرد. وقتی دختر بعد از چند ساعت بیدار شد، پدرش را صدا زد و جوابی نشنید. یکه و تنها به هر طرف دوید. وحشتزده به دنبال پدر گشته رفت و رفت تا به جنگلی رسید. در آنجا ناگهان چشمش به خیمه سفیدی افتاد. جلو رفت و دید سه زن به شکل حوری کنار چشمه ای هستند. جلو رفت و سلام کرد. آن زنان که بی بی حور، بی بی نور و بی بی سه شنبه بودند، با مهربانی جوابش را دادند و از احوال او پرسیدند. آن زنان مقدس پس از شنیدن سرگذشت او گفتند اگر می خواهی روی آسایش ببینی و از ظلم زن پدر خلاص شوی و به مرادت بررسی باید آش

بی‌بی‌حور و بی‌بی‌نور بیزی. دختر پرسید این آش را چطور می‌پزند و آنان گفتند: همین که حاجتت برآورده شد، می‌روی از هفت زن فاطمه نام، مقداری آرد و حبوبات را گرفته آن را آش می‌پزی و بین زنان محله تقسیم می‌کنی. سپس طرز پختن آش را به او یاد دادند و ناگهان از نظر ناپدید شدند. دختر بسیار خوشحال شد و پیش خود نذر کرد که اگر از این جنگل نجات پیدا کند و از دست زن پدر خلاص شود و به زندگانی راحتی برسد، سفره بیندازد. هنوز دختر در این خیالات بود که ناگهان دید سه سوار از دور پیدا شدند و به سوی او آمدند. این سوارها پسر پادشاه پسر وزیر و پسر قاضی بودند. چشم پسر پادشاه به دختر افتاد یک دل نه صد دل عاشق او شد. جلو آمد و به او گفت: ای دختر ما از راه دور آمده‌ایم و تشنه‌ایم، دختر کاسه ای آب به او داد. پسر پادشاه از دختر خواست همراهشان برود و دختر را بر اسبش سوار کرده با خود به قصر برد.

بعد از چند روز هم دختر را به عقد خود درآورد و به این ترتیب دختر به خوشبختی رسید. روزی دختر به یادش آمد که نذری کرده است، پس تصمیم گرفت هر چه زودتر نذر خود را ادا کند. ولی چون عروس پادشاه بود و نمی‌توانست ادا کند بناچار روی هفت طاقچه از طاقچه‌های قصر مقداری از انواع حبوبات را گذاشت و چادر به سر کرده و از هر طاقچه مقداری حبوبات گدایی می‌کرد. مادر شاهزاده او را دید و هراسان به پسرش خبر داد و گفت پسر جان اگر می‌خواهی شیرم را حلالیت کنم این دختر گدا صفت را بیرون بینداز. ببین چقدر پست عادت گدایی کردن را فراموش نمی‌کند. پسر پادشاه با عصبانیت نزد دختر رفت تا موضوع را بررسی کند. وقتی وارد دید دختر دیگری روی اجاق گذاشته و مشغول پختن آش است. لگد محکمی به دیگ زد و آشها را روی زمین ریخت. دختر به گریه افتاد و او را نفرین کرد. روز بعد پسر پادشاه با پسر وزیر و پسر قاضی به شکار رفتند. یکدفعه پسر پادشاه آن دو را گم کرد و تنها ماند. هر چه جستجو کرد آنها قصر برگشت. در میان راه همین‌طور که به فکر فرورفته بود، ناگهان صدایی از پشت سر خود شنید. سر برگرداند، کسی نبود. اول ترسید، اشتباه کرده است. اما چند قدم دیگر که رفت باز همان صدا به گوشش رسید. دوباره سر برگرداند، باز هم کسی نبود. در این موقع چشمش دید سر بریده پسران وزیر و قاضی به دو طرف زین اسبش بسته شده است. وحشتزده بر اسب هی زد و با سرعت به طرف شهر روان شد. همه تصور می‌کردند که او آنها را کشته و بنابر این پادشاه دستور داد او را به زندان بیاورند.

چند روز بعد، زن پادشاه که می‌خواست به دیدار فرزندش برود، دختر به او گفت به پسرت بگو اگر آن روز به دیگ آش من لگد نمی‌زدی به این روز نمی‌افتادی حالا هم اگر می‌خواهی رهایی بی‌آبی عقیده پیدا کن و نذر کن که بعد از نجات از زندان آش بیزی.

یقین بدان که از زندان خلاص می‌شوی. پسر پادشاه وقتی این حرف‌ها را از مادر شنید و فهمید که به خاطر نفرین دختر گرفتار شده، به مادرش دستور داد که فوراً برود و دیگ آش را بار بگذارد هنوز آش حاضر نشده بود که خبر دادند پسران وزیر و قاضی پیدا شده‌اند. همه خوشحال شده و به شادی پرداختند و پسر پادشاه هم از زندان آزاد. در مورد این سفره قصه دیگری نیز در منطقه رواج دارد که به شرح زیر می‌باشد. در گذشته‌های دور روزی پسر پادشاه برای شکار به کوه می‌رود. در آنجا دختری را می‌بیند و او را با خود به خانه می‌آورد. دختر در زیر زمین اطاق وجود داشت در آنجا مقداری آرد پیدا کرده و مشغول تهیه حلوا می‌شود که پسر پادشاه سر می‌رسد و با لگد ظرف محتوی حلوا می‌زند. مقدار کمی حلوا بالای لباس پسر پادشاه می‌ریزد. دختر بسیار دلشکسته و غمگین شده و پسر پادشاه به دربار می‌رود. از قضا در آن روز فردی کشته شده کارمندان دنبال قاتل می‌گردند. آن تکه حلوایی که روی لباس پسر ریخته بود تبدیل به قطره خون شده بود و همه فکر می‌کنند پسر پادشاه قاتل است. پسر به فکر فرورفته و به یاد ظمی که به دختر روا داشته می‌افتد. برای او پیغام می‌فرستد که ای دختر از همان نذری که برای خود کردی از کارم پشیمانم. دختر نذر بی بی سه شنبه نذرا برای پسر می‌کند و او بلافاصله آزاد می‌گردد.

روایت است که نحوه برگذاری این سفره بدین شرح است:

سفره ای فقیرانه که وسایل را با تهیه از هفت خانه که فاطمه نام در آنها باشد تهیه می‌کنند.. برگزاری آن به این ترتیب است که سه سه شنبه می‌باید این سفره پهن شود. دو عدد آن قبل از برآوردن شدن حاجت و سومی بعد از برآورده شدن پهن می‌شود. با آردی که از خانه‌های یاد شده گرفته‌اند حلوای کم رنگی پخته شده و در بشقاب می‌گذارند. در کنار آن بشقاب‌ها مقداری نان هم گذاشته و دعایی مانند دعای توسل خوانده می‌شود. بعد از آن داستانی که مربوط به بی بی سه شنبه است نقل می‌گردد.

#### ۴۲. دیگچه ، معروفترین غذای نذری در ماه محرم

همان‌طور که در بالا گفته شد پخت غذای نذری و توزیع بین عزاداران در ماه محرم به نیت خوشنودی روح ملکوتی حضرت امام حسین (ع) و یاران باوفایش نه تنها در بین شیعیان و در میان اهل سنت که به خاندان پیامبرشان احترام می‌گذارند رایج است. در افغانستان نیز عزاداران و صاحبان مجالس عزا غذاهای نذری مختلفی در ماه محرم پخت کرده در بین مردم توزیع می‌کنند. معروفترین غذای نذری افغانستان دیگچه نام دارد که شبیه شیربرنج است ولی کمی سخت تر پخته میشود.

افغان‌ها هر چهارشنبه ماه صفر این غذا را پخته در میان عزاداران پخش می‌کنند. این غذای نذری با نیت مختلفی همچون افزایش رزق و روزی، صاحب فرزند شدن و

سلامت جسمی خود و خانواده شان انجام می‌دهند. اعتقاد بر این است که فاطمه زهرا دختر پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) این غذا را زیاد می‌پخته است. دیگچه برای این که طعم و عطر بهتری داشته باشد معمولاً در دیگ‌های بزرگ مسی پخته می‌شود. مواد اولیه این غذای نذری «برنج، روغن، شیر، آب و نمک» است و اغلب به آن گلاب، عرق هل و خلال بادام یا خلال پسته اضافه می‌کنند.



### کفاره شکستن نذر چیست؟

اگر از روی عمد به نذر خود عمل نکند، بای یک بنده آزاد کند طی ده فقهی را سره کند طی آنان را بپوشاند و اگر نتواند ۳ روز روزه بگیرد.

### منابع

۱. فرهنگ نذر ها و نیازها معرفی چند نذر معروف در افغانستان نوشته نرگس هاشمی

<https://nargishashimi.blogfa.com/post/10>

۲. اداب آهین ها و بارورهای مردم افغانستان نوشته دادا جان عابدوف

[https://aiss.af/persian/assets/aiss\\_publication/a553be229a5eb4465e5d4bfd638013bf.pdf](https://aiss.af/persian/assets/aiss_publication/a553be229a5eb4465e5d4bfd638013bf.pdf)

۳. رسم و رواجهای مردم افغانستان

<https://afghanhub.net/t/topic/722>

۴. در باره کتاب فرهنگ و باورهای مردم افغانستان نوشته رضا محمدی شاعر و نویسنده

[https://www.bbc.com/persian/afghanistan/2015/01/150124\\_zs\\_reza\\_moradian\\_book](https://www.bbc.com/persian/afghanistan/2015/01/150124_zs_reza_moradian_book)

۵. سمنگ هم نذر و هم جشن نوشته زینب محمدی در ویسایت بی بی سی

[https://www.bbc.com/persian/afghanistan/2013/03/130319\\_k04\\_afg\\_norouz\\_samanak](https://www.bbc.com/persian/afghanistan/2013/03/130319_k04_afg_norouz_samanak)

۶. سوالات از ۵ تن زنان مسن در مورد نذر های مردم کابل

۷. آیین نوروز افغانستان در ویسایت دانشجو

<https://snn.ir/fa/news/300822/%D8%A2%DB%8C%DB%8C%D9%86-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%86%D9%88%D8%B1%D9%88%D8%B2%DB%8C-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%DA%A9%D9%87-%D8%AD%DB%8C%D9%81-%D8%A7%D8%B3%D8%AA-%D9%86%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C%D9%85>



۸. آداب و رسوم مردم افغانستان در ویبسایت رمضان

<https://ramezan.com/archive/5261>

۹. سنتهای تاریخی در گوشه وکنار افغانستان در ویبسایت ۸ صبح

<https://8am.media/fa/historical-traditions-of-nowruz-in-the-corners-of-afghanistan>

۱۰. رسوم و نظر دادن در بین بانوان هرات نوشته زینب محسنی در ویبسایت خبری گذاری بانوان افغانستان

<https://www.awna.af/?p=10551>

۱۱. پخت و پز دلدۀ آئینی مردم افغانستان نوشته ویبسایت شهر آریا نیوز

<https://shahrarnews.ir/fa/news/184536/%D9%88%DB%8C%D8%AF%D8%A6%D9%88-%7C-%D9%BE%D8%AE%D8%AA-%D9%86%D8%B0%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D9%84%D8%AF%D9%87-%D8%A2%DB%8C%DB%8C%D9%86%DB%8C-%D9%85%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%85-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86>

۱۲. غذا های معروف نذری در ماه محرم و صفر افغانستان نوشته ویبسایت اطلس پلاس

<https://atlaspress.news/%D8%BA%D8%B0%D8%A7%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%88%D9%81-%D9%86%D8%B0%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%A7%D9%87-%D9%85%D8%AD%D8%B1>

۱۳. دیگچه غذای مخصوص نذری افغانستان ویبسایت فلم تی وی

<https://fa2.ifilmtv.ir/Iran/Content/61279/%D8%AF%DB%8C%DA%AF%DA%86%D9%87%20%D8%BA%D8%B0%D8%A7%DB%8C%20%D9%85%D8%AE%D8%B5%D9%88%D8%B5%20%D9%86%D8%B0%D8%B1%20%D8%AF%D8%B1%20%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86>

۱۴. راه گشایی در فرهنگ عامه نذر مشکل کشا و داستان بابۀ خارکش

[https://shahrvand-newspaper.ir/Modules/News/PrintVer.aspx?News\\_Id=67447&V\\_News\\_Id=&Src=Main](https://shahrvand-newspaper.ir/Modules/News/PrintVer.aspx?News_Id=67447&V_News_Id=&Src=Main)

۱۵. نذر های افانستان و طرز تهیه آن نوشته فرشته کمال

<https://ferishtaseyid.blogfa.com/category/52>

۱۶. نذر شله زرد در روز پنجشنبه در ویبسایت یوتوب

<https://www.youtube.com/watch?app=desktop&v=JHGbzBaIrXI>

۱۷. نذر بهاری مردم افغانها و یک پرندۀ کوچک

<https://da.azadiradio.com/a/24530844.html>

شب برات چه سنن دارد نوشته کریم پوپل در ویبسایت پژواک

<https://pajhwok.com/fa/opinion/%D8%B4%D8%A8-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%DA%86%D9%87-%D8%A7%D8%B3%D8%AA-%D9%88-%DA%86%D9%87-%D8%B3%D9%86%D9%86-%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%AF%D8%9F>